



۲۰۱۸/۰۵/۱۴



حق و صبر

متن مصاحبه چاپ نشده ناصر پورپیرار در روزنامه شرق

با سلام.

امید به خدای قادر و متعال، قصد داریم که در راستای بررسی داده های نوین تاریخ شرق میانه که توسط مورخ ارجمند تاریخ معاصر آقای ناصر پورپیرار مطرح شده است به سهم خود گامی برداریم. واضح است در صورتی که نقدی بر نظریات ایشان باشد از درج آن استقبال می کنیم.

چندی قبل گفتگویی با ایشان داشته ایم که متأسفانه علیرغم تلاش فراوان، نشریات و خصوصاً روزنامه شرق از چاپ آن خودداری ورزیدند. تلاش می کنیم که بتوانیم متن کامل مصاحبه را در اینجا درج نماییم.

مقدمه: به نظر میرسد اتفاقی در حال رخ دادن است. اگر هویت و مسیر آینده ای که باید پیموده شود، رابطه ای مستقیم با گذشته و تاریخ همگی ما یعنی اقوام و بومیان این سرزمین دارد، بدون شک هر گفتگو یا اندیشه ای که گذشته ما را درست به ما بشناساند، نقشی ارجمند در هویت ما خواهد داشت. پورپیرار با مجموعه کتابهای تاملی در بنیان تاریخ ایران، درصدد بازخوانی تاریخ واقعی ایران است. بی تردید تمامی دانسته های کنونی ما از گذشته، در مقابل داده های پورپیرار رنگ میبازند. عجب اینکه از پس اولین کتاب او به نام **دوازده قرن سکوت** تاکنون که چندسالی می گذرد از هیچیک از اساتید و مورخان به نام، نقدی و نظری برنخواست است و همانطور که پورپیرار می گوید سکوتی مطلق در مواجهه با کتابهایش به عمد رعایت می شود. چرا که هرگونه دامن زدن به این مباحث را مساوی با خارج شدن بسیاری از مدعیان تاریخ از صحنه می داند. کتاب ساسانیان او در توقیف ارشاد می باشد و دولت خاتمی مانع از چاپ کتاب تاکنون شده است. مطمئن هستم همچون من، هرکس این گفتگو را بخواند تا مدتها در حیرت به سر برد اما وقتی به کتابها رجوع کنیم آنگاه درک بسیاری از چیزهایی که او می گوید دشوار نخواهد بود. بد نیست بگویم پورپیرار بارها به من تاکید کرد که چاپ مصاحبه من اگر غیر ممکن نباشد بدون شک همراه با دردرس خواهد بود و امیدی به چاپ این گفتگو نداشت.

(این گفتگو در اوایل خردادماه برای روزنامه شرق انجام پذیرفت که آن روزنامه از چاپ آن امتناع ورزید)
گفتگو با ناصر پورپیرار (۱)

انتشار مجموعه کتابهای **تاملی در بنیان تاریخ** ایران عکس العمل های گوناگونی را در مجامع علمی و فرهنگی برانگیخته است. این عکس العمل ها که بعضاً همراه با نفی مستندات ارائه شده از جانب شما بوده است، بدانجا کشیده شد که مجوز برای انتشار آخرین کتابتان را با مشکل مواجه کرده است. تحلیل و ارزیابی شما از این نوع واکنشها چیست؟

این عکس العمل ها کاملاً و به سادگی چنان شناسایی می شود که احتیاجی به تحلیل ندارد. آقایان در مواجهه با داده های جدید در مورد تاریخ ایران دچار وحشت شده اند. چنان دچار ترس شده اند که جز سکوت و فحاشی پاسخ دیگری پیدا نمی کنند. این از نظر من کاملاً واضح است که چرا؟ آنها دستشان خالیست و در هر مواجهه قلمی، زبانی، تبلیغاتی یا هر شکل دیگری بی آبرو خواهند شد. چون قصه هایی که قبلاً ساخته بودند مطلقاً فاقد توجیهات عقلیست چه برسد اسنادی. یعنی آنها هیچ مستنداتی برای ادعاهایی که تا حالا کرده اند ندارند. صرفاً قصه مادر بزرگهاست و بس! که اگر به اسناد تاریخ ایران باستان رجوع کنیم کاملاً خلاف این داده ها حرف می زند. چنانکه دیدیم در بررسی تاریخ اشکانیان، سکه های اشکانیان بهترین دلیل رد سلسله اشکانیان شد. بقیه اش هم همینطور! به هرکجا که دلشان می خواهد، انگشت بگذارند یا وارد شوند بی آبرو خواهند آمد. تردید نکنید خودشان بهتر از هر کسی می دانند که دستشان خالیست و حرفی برای زدن ندارند.

برای روشن ساختن حقایق پیشنهاد گفتگی رودرو داده اید؟

به اشکال مختلف و به دفعات. اینهم در پیوند با سؤال قبلی، هیچکس جرأت تن دادن به موضوع را ندارد. برای اینکه بیسوادی در این سطح چندان گسترده است که من کسی را نمی شناسم که همپای پاراگرافی از این کتابها بتواند بایستد. چه برسد به مجموعه اش. اینها خودشان را در واقع روی موضوع تاریخ ایران انداخته اند. وگرنه آنجا عقلانیتی در کار نیست و هر چه می شنوید افسانه هالیست بی سروته و بدون سند. ادعاهای بزرگ انگارانه بی سبب. خیلی کثیف، مهوع و دردناک است که یک ملتی را سالها پوچ و بی سروته مشغول کرده اند و به دشمنی با همدگر و با همسایگانیشان واداشته اند و در پاره ای اوقات با جهان! چطور ممکن است اینها که یک عمری از این کانال نان می خورند و زندگی می کنند و سفر می روند و احترام می بینند و پایگاه و کرسی دانشگاهی دارند به گفتگویی تن بدهند که آنها را از تمام این مناصب و مراتب خلع کند؟ چون در صورت شکست هیچکس را نمی شوند. یعنی دانش آموز اول دبستان می شوند. اینجا دیگر زیرکانه کار می کنند. اینجا دیگر برایشان تاریخ ایران و مردم ایران کشک است! آنها نودستی به ناندانی هایشان چسبیده اند. همین

ادامه دارد

د پانوی شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ